

اقتصاد و دولت در ایران

پژوهشی درباره
ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد فاسد در ایران

سرشناسه: غنی‌نژاد اهری، موسی، ۱۳۳۱ -

عنوان و نام پدیدآور: اقتصاد و دولت در ایران: پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم

اقتصاد دولتی در ایران / موسی غنی‌نژاد.

مشخصات نشر: تهران: کارآفرین، ۱۳۹۵.

مشخصات ظاهری: ۳۴۸ ص

فروست: تهران: کارآفرین، ۱۳۹۵.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۰۷۸-۶-۰

وضاحت فهرست نویسی: فیا

داشت: کتابنامه.

عنوان دیگر: پژوهشی درباره ریشه‌ها و علل تداوم اقتصاد دولتی در ایران.

موضوع: ایران - اوضاع اقتصادی - ۱۳۵۷-۱۳۰۴

موضوع: Iran - Economic conditions - 1925-1979

موضوع: ایران - سیاست و حکومت - ۱۳۵۷-۱۳۰۴

موضوع: Iran - Politics and government - 1925-1979

موضوع: ایران - سیاست اقتصادی - ۱۳۵۷-۱۳۰۴

موضوع: Iran - Economic policy - 1925-1979

رده‌بندی کنگره: ۷۱۳۹۵ الف ۹/غ/۴۷۵ HC

رده‌بندی دیویی: ۳۳۰/۹۵۵

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۱۱۶۴۸

کتابخانه مرکزی تهران
TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE



اقتصاد و دولت در ایران

نویسنده: موسی غنی‌نژاد

گرافیک و صفحه‌آرایی: رضا دولت‌زاده

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۱۰۰ نسخه

لیتوگرافی و چاپ و صحافی، متن و جلد: شرکت چاپ بازرگانی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۶۰۷۸-۶-۰

مرکز پخش: ۶۶۴۸۷۴۴۱

فصل اول

۱۵ بررسی و نقد ادبیات موضوع

- ۱-۱- نظریه «استبداد ایرانی» دکتر همایون کاتوزیان
 - ۱-۲- دولت و رشد سرمایه‌داری در ایران از نظر دکتر احمد اشرف
-

فصل دوم

۴۷ اندیشه‌های جددطلبانه

نهضت مشروطیت و تحولات ناشی از آن

- ۱-۲- اندیشه فکری و سیاسی اول، قانون اساسی و متمم آن
 - ۲-۲- نفوذ روزافزون دیپلورماها و سوسیالیستی در میان روشنفکران
 - ۳-۲- تأسیس نهادهای اجتماعی اقتصادی مدرن و مشکلات آنها
-

فصل سوم

۱۱۷ سال‌های تزلزل و خلأ قدرت پس از استبداد مطلق

- ۱-۳- خطر فروپاشی حاکمیت ملی و تجزیه ایران
 - ۲-۳- کم‌رنگ شدن آرمان‌های مشروطه خواهی و استبداد مطلق ملی ناسیونالیسم
-

فصل چهارم

۱۴۷ ناسیونالیسم مقتدر و اقتصاد دولت‌مدار

- ۱-۴- روشنفکران و برآمدن حکومت متمرکز رضاشاهی
- ۲-۴- قدرت گرفتن تحصیلکرده‌ها و تکنوکرات‌ها در نظام حکومتی
- ۳-۴- پایه ریزی اقتصاد متمرکز دولتی و توجیه نظری آن

فصل پنجم

۱۸۱ دهه ۱۳۲۰ و گسترش روزافزون روشنفکری چپ و بیگانه ستیز

- ۱-۵- ایدئولوژی اقتصادی مارکسیست‌های ایرانی و تأثیر آن بر تصمیمات حکومتی
- ۲-۵- نهضت ملی کردن صنعت نفت و استقلال طلبی بیگانه ستیز
- ۳-۵- شکل‌گیری ناسیونال سوسیالیسم ایرانی و سایه افکندن آن بر اقتصاد سیاسی ایران

فصل ششم

۲۳۷ شکل‌گیری بخش خصوصی و نقش آن در ساختار اقتصاد کشور

- ۱-۶- تحول در زمان برنامه و آغاز برنامه ریزی‌های جامع کشوری
- ۲-۶- دورویه سیاست‌های دهه ۱۳۴۰
- توسعه بنگاهداری دولتی و حمایت از بخش خصوصی
- ۳-۶- توضیحی درباره عملکرد برنامه اقتصادی در سال‌های برنامه سوم و چهارم

فصل هفتم

۲۷۱ سلطه بلامنازع اقتصاد دولتی در پی افزایش شدید درآمدهای نفتی

- ۱-۷- تجدید نظر در سیاست‌های اقتصادی برای سرعت بخشیدن به آهنگ رشد
- ۲-۷- اقتصاد سیاسی تمدن بزرگ و حزب رستاخیز
- ۳-۷- روشنفکران حکومتی و اپوزیسیون در برابر ناسیونال سوسیالیسم چپ پرده

فصل هشتم

۳۲۵ نتایج پژوهش و پیشنهادات

اقتصاد ضد انحصار

مسعود خوانساری

رئیس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

اقتصاد ایران گرفتار دولت‌ها و انحصارطلبی اقتصادی آنهاست و حتی چندین بار تغییر در روش حکومت‌داری طی ۱۰۰ سال گذشته نیز تفاوت چندانی در این نظام ایجاد نکرده است. اقتصاد ایران به صورت سنتی در انحصار دولت‌ها بوده و هر یک از آنها برای تغییر این فضا نیز به شکست منجر شده است. همین انحصار موجب شده تا بدنه سنگین دولتی و بروکراسی کمرشکن آن، فضای اقتصاد کشور را از چالاکی و تحرک متناسب با نیازهای عمومی یک اقتصاد رو به رشد دور کند و به سمت اقتصادی رخنه زده پیش برد. اما چرا باید از اقتصاد دولت‌نژاد ایران بود؟

تسلط بیش از اندازه دولت (دولت‌ها) بر اقتصاد ایران موجب شده تا نگاه انحصاری جایگزین فضای رقابتی شود و این دولت‌ها است که در همین دوره کشورهای مختلف جهان برای دستیابی به توسعه بیشتر به سمت ایجاد رقابت حرکت کردند. از گذر همین سیاست‌ها کشور ایران جنوبی به جایگاه ستودنی کنونی رسید، ژاپن مسیر توسعه را پیمود و سنگاپور به بهشت سرمایه‌گذاران بدل شد، مالزی میزبان شرکت‌های بین‌المللی شد و حتی امارات متحده عربی هم نامی برای خود در اقتصاد جهانی بهم زد.

بنابراین حرکت به سوی اقتصاد رقابتی، نسخه‌ای آزموده شده به شمار می‌آید. به طور مسلم تجربه کشورهای دیگر نشان می‌دهد، بخش خصوصی و اساساً اقتصاد تنها در شرایط رقابت سالم و منطقی امکان رشد

می‌یابد. در تمام اقتصادهای توسعه یافته جهانی، صاحبان کسب‌وکار تنها زمانی در مسیر رشد حرکت کردند که امکان رقابت برابر و فعالیت در فضای سالم را یافتند.

تجربه سال‌های گذشته اقتصاد ایران نیز نشان می‌دهد که هر زمان فضا از حالت رقابتی خارج شد، فساد گسترش یافت. بنابراین امروز پافشاری بر رفتاری اشتباه گذشته نه شایسته و نه امکان‌پذیر است.

پانزده طی چهار دهه گذشته تمامی ارکان اقتصادی کشور به حرکت درآمده و مسیر انحصاری شتاب داده و به طور خاص روش قیمت‌گذاری دولتی، تولید شرکت‌های دولتی و شبه دولتی و از همه بدتر نظام بروکراتیک و قواعد زائد کسب و کار اصول همین نگاه به اقتصاد بوده است.

امروز که در دهه ۹۰ اقتصاد ایران اسیر رکود و رشد پایین شده، احساس نیاز به فضای رقابتی نیز بیشتر شده است. جوانان این سرزمین نیاز دارند تا آینده‌ای روشن و درخشان را پیش روی خود ببینند و این مهم هیچگاه به ثمر نمی‌شیرد مگر آنکه دولت‌ها استراتژی توسعه فضای رقابتی را پیش گیرند. گسترش فضای رقابتی در اقتصاد ایران هم زمانی محقق می‌شود که فرهنگ مدیران کشور ارتقاء یابد و فرهنگ زمانی بارور خواهد شد که نویسندگان، محققان و اندیشمندان به تولید فکر بپردازند و فرصت نشر آن را نیز داشته باشند.

به باور اتاق تهران، آنچه به توسعه بیشتر فضای فکری و اندیشه‌ساز در کشور یاری می‌رساند، تضارب آراء و بیان دیدگاه‌های متفاوت است. زمانی که محققان و اقتصاددانان در فضای فرهنگی دیدگاه‌های مختلف را مطرح کنند و به نقد عمومی بگذارند، سیاست‌گذاران نیز با دیدگاهی روشن‌تر مسیر درست و رو به سمت توسعه واقعی را انتخاب می‌کنند.

کتاب پیش روی نیز بر مبنای چنین هدفی تدوین شده است. امیدواریم نمونه چنین آثاری بیش از گذشته تهیه و به فعالان بخش خصوصی و مدیران و تصمیم‌سازان ارائه شود. در پس این تلاش‌ها افق دیدها نیز به سوی اقتصادی سالم، رقابتی، ضد انحصار و عاری از رانت تغییر جهت خواهد داد.

کلاف سردار گم اقتصاد و نهادهای در ایران

موسی غنی نژاد

نگاهی به پژوهش‌های صورت گرفته، درباره تاریخ اقتصادی ایران معاصر نشان می‌دهد رویکرد اغلب آن‌ها کم و بیش مبتنی بر نوعی تفسیر ماتریالیستی تاریخ بوده، یعنی تحولات اقتصادی-سیاسی را با تغییرات شرایط مادی-معیشتی زندگی اجتماعی توضیح داده‌اند. طبق این رویکرد که مارکسیست‌ها بیشترین مبلغ و مروج آن بوده‌اند، تحولات تاریخی در جوامع انسانی، در تحلیل نهایی، با شرایط مادی-معیشتی تعیین می‌شود. در این چارچوب فکری تحولات در زیربنای جامعه (مناسبات تولیدی و طبقاتی) تعیین کننده تغییرات در روبنای جامعه (اندیشه، فرهنگ و روابط سیاسی) است. البته، رویکرد ماتریالیستی منحصر به مارکسیست‌ها و پیگراها نیست بلکه بخش بزرگی از مکتب‌های جامعه‌شناسی و اقتصادی رایج امروزی، حتی آن‌ها که به لحاظ سیاسی کاملاً مخالف مارکسیسم هستند، به شدت از نوعی تفسیر مادی تاریخ تبعیت می‌کنند. مثلاً، نظریه «مراحل رشد اقتصادی» والتروستو، با عنوان فرعی «مانیفست غیر کمونیستی» که

در پاسخ به «مانیفست کمونیستی» مارکس و انگلس نوشته شده، در واقع، بیانیه‌ای بود با نگرش کاملاً ماتریالیستی. نظریه مطرح شده در کتاب روستو هسته مرکزی دکترین اقتصادی سیاست خارجی کندی، رئیس جمهوری ایالات متحده آمریکا در اوایل دهه ۱۹۶۰ میلادی را تشکیل می‌داد. این کتاب به تدریج در محافل آکادمیک غربی به کتاب مرجع مهم اقتصاد توسعه تبدیل شد. نادرستی فرض‌های این نظریه و ناسازگاری شواهد تاریخی و استدلال‌های آن انصافاً گوی سبقت را از تحلیل‌های مارکسیستی برده است.

زندگی اجتماعی وجه تمایز انسان از سایر موجودات زنده و مهم‌ترین ابزار وی برای سازگاری با محیط و حفظ نوع خود است. در این گونه زندگی، کنش افراد بر مبنای بر قواعد رفتاری نشئت گرفته از ارزش‌ها و اعتقاداتشان است. دستوراتی که شرایط عینی محیط ناگزیر بر شکل‌گیری ارزش‌ها و قواعد باعث از آن‌ها تأثیر می‌گذارد اما فرایند این تأثیر بسیار پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را با یک رابطه ساده خطی توضیح داد. تنوع فرهنگی جوامع بشری، حتی در شرایط اقلیمی و مادی یکسان نشان از این پیچیدگی دارد، نکته بسیار مهم و تعیین کننده این است که زندگی اجتماعی منجر به شکل‌گیری انسان اندیشه ورز شده یعنی انسانی که می‌تواند به کمک قدرت تفکر خود از وضع موجود بسیار فراتر رود و درباره ماهیت ارزش‌ها، قواعد رفتاری و عدالت و نادرستی آن‌ها بیاندیشد. از این به بعد است که ساحت زندگی فکری انسان بر ساحت زندگی مادی وی می‌چربد و تحول ارزش‌ها و قواعد رفتاری عدالتاً تابع شیوه تفکر او درباره فلسفه زندگی، درستی و نادرستی ارزش‌ها، عدل و ظلم و مانند آن می‌شود. بزرگ‌ترین اشکال رویکرد ماتریالیستی به تاریخ، غفلت از این ویژگی مهم وضعیت زندگی انسانی است. به این ترتیب، مارکسیست‌ها نمی‌توانند توضیح دهند چرا پس از هفتاد سال سیطره مناسبات سوسیالیستی، اعتقاد به مالکیت خصوصی، ارزش‌های دینی، خانوادگی و مانند آن در جوامع شوروی سابق از بین نرفت. از طرف دیگر، طرفداران نظریه روستو نیز نمی‌توانند به این پرسش پاسخ دهند که چرا

صرف انتقال علم، تکنولوژی، سرمایه و نیروی متخصص غربی به کشورهای جهان سوم، بدون تحول در فضای فکری و ایجاد نهادهای مناسب، نتوانست به رشد اقتصادی پایدار در آنها منجر شود.

در واقع، تحولات تاریخی جوامع ریشه در نهادهای اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی دارد و اینها خود در نهایت به ارزشها و اعتقادات وابستهاند. بنا بر این، تحول تاریخی جوامع را، در تحلیل نهایی، عمدتاً باید با منطق اندیش تفصیح داد. رویکرد ما در این پژوهش مبتنی بر این منطق خواهد بود. فرض ما این است که تحولات تاریخی در ایران در جریان مراودات فزاینده با دنیای مدرن (غرب)، عمدتاً از ایدولوژیهای ناسیونالیستی و سوسیالیستی غربی که قرابت بیشتری با ارزشهای جمع گرایانه سنتی دارند تأثیر پذیرفت. ارزشهای فردگرایانه مدرن که با سنتهای ایرانی سنخیت چندانی ندارند، به این ترتیب، می توان توضیح داد چگونه نهضت مشروطه که در آغاز در صدد تسهیل قدرت سیاسی به سیاق دموکراسیهای غربی بود به استبداد رضا شاه منتهی شد. از آن پس رد پای ناسیونالیسم و اقتصاد دولتمدار منتهی شد. از آن پس رد پای ناسیونالیسم و اقتصاد دولتمدار منتهی شد. از آن پس رد پای ناسیونالیسم و اقتصاد دولتمدار منتهی شد. همه نهضت‌ها و نظام‌های سیاسی، از نهضت ملی شدن صنعت نفت گرفته تا انقلاب اسلامی می‌توان مشاهده کرد. سیستم کم و بیش تمام و کمال اقتصاد دولتی، تداوم و تحکیم آن، به رغم همه انتقاداتی که کارشناسانهای که به نا کارآمدی آن، از زمان رضا شاه تا کنون صورت گرفته، حاکی از قدرت ارزشهای ایدولوژیک و تأثیر گذاری تعیین کننده سازنده به نظام‌های سیاسی است. در این پژوهش چگونگی شکل‌گیری ناسیونالیسم و اقتصاد دولتی در ایران و تأثیر گذاری آن بر تحولات اقتصاد سیاسی کشور مورد بررسی قرار خواهد گرفت. با این رویکرد ضعف مزمن و ساختاری نظام اقتصاد بازار آزاد و بخش خصوصی در ایران به عنوان مشکلی نشئت گرفته از شیوه تفکر و ایدولوژی توضیح داده خواهد شد؛ اما پیش از ورود به این بحث، دو نظریه رایج و غالب در خصوص تبیین ماتریالیستی تحولات اقتصادی ایران به نقد و سنجش گذاشته می‌شود تا موضوعیت رویکرد این پژوهش روشن شود.